



The Islamic Identity of Women in the Face of War and Post-War Conditions: Explaining a Model of Cultural Resistance and Social Reconstruction

Sakineh Emamian

M.A. in Qur'anic Sciences, Faculty of Theology and Islamic Studies, Ilam University, Ilam, Iran
skynh6038@gmail.com

Abstract

War is not limited to material and military destruction, but also transforms the cultural, social, and moral identity of societies. In this context, the identity of women in Islamic societies plays a pivotal role in maintaining cultural cohesion and advancing social reconstruction. As the axis of the family and an influential cultural agent, the Muslim woman can, during and after the war, play a significant role by preserving and transmitting values, providing religious meaning to the experience of suffering, and strengthening social capital and bonds. However, research literature has often viewed women merely through the lens of victimhood, frequently overlooking the capacities derived from their religious identity in shaping cultural resistance and social reconstruction. This research, using a qualitative approach and a descriptive-analytical method, relies on documentary studies and library resources (including religious texts and related scientific works). The findings demonstrate that the Muslim woman's identity—encompassing belief, moral, cultural, and social dimensions—is activated during crises and manifests through patience, steadfastness, family preservation, and social participation. Furthermore, the results indicate that the “cultural resistance of the Muslim woman” serves as a bridge between Islamic identity and the process of social reconstruction, facilitating the cultural and moral rebuilding of society through the transmission of values, child-rearing, and the strengthening of social ties.

Keywords: Islamic identity of women, cultural resistance, social reconstruction, family, Iranian–Islamic culture.



هوية المرأة الإسلامية في مواجهة الحرب وما بعد الحرب: تبين نموذج المقاومة الثقافية وإعادة البناء الاجتماعي

سكينه اماميان

حاصلة على درجة الماجستير في علوم القرآن، كلية الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة إيلام، إيلام، إيران

skynh6038@gmail.com

الملخص

لا تقتصر الحرب على الدمار المادي والعسكري فحسب، بل تمتد لتغير الهوية الثقافية والاجتماعية والأخلاقية للمجتمعات. وفي هذا السياق، تؤدي هوية المرأة في المجتمعات الإسلامية دوراً محورياً في الحفاظ على التماسك الثقافي وتعزيز عملية إعادة الإعمار الاجتماعي. فالمرأة المسلمة، بصفاتها محور الأسرة وفاعلاً ثقافياً مؤثراً، يمكنها في ظروف الحرب وما بعدها أن تلعب دوراً فاعلاً في حفظ القيم ونقلها، وإضفاء المعنى الديني على تجارب المعاناة، وتعزيز رأس المال والروابط الاجتماعية. ومع ذلك، غالباً ما حصرت الأدبيات البحثية دور المرأة في إطار كونها "ضحية"، وتجاهلت القدرات الكامنة في هويتها الدينية لتشكيل المقاومة الثقافية وإعادة الإعمار الاجتماعي. اعتمدت هذه الدراسة المنهج النوعي والوصفي التحليلي، استناداً إلى الدراسات الوثائقية والمصادر المكتوبة (النصوص الدينية والدراسات العلمية ذات الصلة). وتظهر النتائج أن هوية المرأة المسلمة بأبعادها الاعتقادية والأخلاقية والثقافية والاجتماعية تتفعل في أوقات الأزمات، وتتجلى في الصبر والاستقامة، وحفظ الأسرة، والمشاركة الاجتماعية. كما تشير النتائج إلى أن "المقاومة الثقافية للمرأة المسلمة" تشكل حلقة الوصل بين الهوية الإسلامية وعملية إعادة الإعمار الاجتماعي، مما يسهل إعادة الإعمار الثقافي والأخلاقي للمجتمع عبر نقل القيم، وتربية الأجيال، وتعزيز الروابط الاجتماعية.

الكلمات المفتاحية: الهوية الإسلامية للمرأة، المقاومة الثقافية، إعادة البناء الاجتماعي، الأسرة، الثقافة الإيرانية-الإسلامية.

هویت اسلامی زن در مواجهه با جنگ و پسا جنگ: تبیین الگوی مقاومت فرهنگی و بازسازی اجتماعی

سکینه امامیان

دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران
skynh6038@gmail.com

چکیده

جنگ فقط ویرانی مادی و نظامی نیست، بلکه هویت فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی جوامع را نیز دگرگون می‌کند. در این میان، هویت زنان در جوامع اسلامی نقشی کلیدی در حفظ انسجام فرهنگی و پیشبرد بازسازی اجتماعی دارد. زن مسلمان به عنوان محور خانواده و کنشگر فرهنگی، در دوران جنگ و پسا جنگ می‌تواند با حفظ و انتقال ارزش‌ها، معنابخشی دینی به تجربه رنج و تقویت سرمایه و پیوندهای اجتماعی نقش‌آفرینی کند؛ با این حال ادبیات پژوهشی غالباً او را صرفاً در چارچوب قربانی بودن دیده و ظرفیت‌های هویت دینی‌اش را کمتر کاویده است. این پژوهش با رویکرد کیفی و روش توصیفی-تحلیلی، با تکیه بر مطالعات اسنادی و منابع کتابخانه‌ای (متون دینی و آثار علمی مرتبط) انجام شد. یافته‌ها نشان می‌دهد هویت اسلامی زن با ابعاد اعتقادی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی در بحران فعال می‌شود و در قالب صبر، استقامت، حفظ خانواده و مشارکت اجتماعی نمود می‌یابد. همچنین «مقاومت فرهنگی زن مسلمان» واسطه پیوند هویت اسلامی و بازسازی اجتماعی است و با انتقال ارزش‌ها، تربیت نسل و تقویت پیوندهای اجتماعی، بازسازی فرهنگی و اخلاقی جامعه را تسهیل می‌کند. **کلیدواژگان:** هویت اسلامی زن، مقاومت فرهنگی، بازسازی اجتماعی، خانواده، فرهنگ ایرانی-اسلامی.

مقدمه

جنگ و منازعات مسلحانه، صرف‌نظر از ابعاد سیاسی و نظامی، از عمیق‌ترین رخدادهای اجتماعی به شمار می‌آیند که می‌توانند ساختارهای معنایی، هویتی و فرهنگی جوامع را به شدت دچار دگرگونی کنند (همتی نصرآباد و همکاران، ۱۴۰۲: ۴). در این میان، هویت‌های فردی و جمعی - به ویژه هویت‌های مبتنی بر دین و فرهنگ - بیش از سایر مؤلفه‌های اجتماعی در معرض بازتعریف، تضعیف یا تقویت قرار می‌گیرند. «هویت اسلامی زن» یکی از مهم‌ترین عرصه‌هایی است که در بستر جنگ و دوران پساجنگ با فرصت‌ها و چالش‌های متعددی مواجه می‌شود؛ زیرا زن مسلمان، هم به عنوان کنشگر اجتماعی و هم به عنوان محور خانواده و تربیت نسل، نقشی اساسی در استمرار یا فروپاشی نظام ارزشی جامعه دارد (محمدی و همکاران، ۱۴۰۴: ۱۳).

در شرایط جنگ، تصویر زن مسلمان معمولاً در دو قطب متضاد بازنمایی می‌شود: از یک سو الگوی مقاومت، ایثار و پایداری فرهنگی، و از سوی دیگر، تلاش جریان‌های رقیب برای تقلیل جایگاه زن به ابزاری تبلیغاتی یا صرفاً موجودی آسیب‌پذیر و قربانی. این دوگانه در دوران پساجنگ نیز استمرار می‌یابد و به یکی از مسائل بنیادین در بازسازی اجتماعی و فرهنگی تبدیل می‌شود (کولایی و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۶).

مسئله اصلی پژوهش از این واقعیت ناشی می‌شود که بخش زیادی از

مطالعات موجود درباره جنگ و پساجنگ، یا به نقش‌های سیاسی و نظامی محدود شده‌اند یا هویت زن را عمدتاً از منظری سکولار و جدا از چارچوب معنایی و دینی بررسی کرده‌اند. نتیجه این رویکردها نادیده گرفتن ظرفیت‌های هویت اسلامی زن در تولید «مقاومت فرهنگی» و مشارکت در «بازسازی اجتماعی» است. هویت اسلامی زن مجموعه‌ای یک‌بعدی از نقش‌های سنتی یا احکام فردی نیست، بلکه منظومه‌ای چندوجهی از باورها، ارزش‌ها و کنش‌های اخلاقی-اجتماعی است که در شرایط بحرانی می‌تواند به منبعی برای انسجام اجتماعی، بازسازی سرمایه فرهنگی و ترمیم شکاف‌های معنایی تبدیل شود. با این حال، فقدان یک چارچوب نظری منسجم که بتواند پیوند میان جنگ، پساجنگ، مقاومت فرهنگی و بازسازی اجتماعی را با محوریت هویت اسلامی زن تبیین کند، خلأیی محسوس در ادبیات موجود ایجاد کرده است.

۱. سؤال و هدف پژوهش

پرسش اصلی پژوهش بدین صورت طرح می‌شود:

- زن مسلمان چگونه و براساس کدام مؤلفه‌های هویتی در شرایط جنگ و دوران پساجنگ به شکل‌گیری مقاومت فرهنگی و فرایند بازسازی اجتماعی کمک می‌کند؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش، اهداف پژوهش در سه سطح تنظیم شده‌اند:

۱. هدف نظری: تبیین ابعاد هویت اسلامی زن و بررسی نحوه فعال شدن

این ابعاد در شرایط بحران جنگ و تأثیر آنها بر کنش‌های فرهنگی و اجتماعی.

۲. هدف تحلیلی: تحلیل نقش هویت اسلامی زن در ایجاد و تداوم مقاومت فرهنگی از خلال مفاهیمی چون صبر، معنابخشی دینی، انسجام خانوادگی و تربیت نسل.

۳. هدف کاربردی / الگوساز: ارائه الگویی نظری برای تبیین پیوند میان هویت اسلامی زن، کنش‌های فرهنگی-تربیتی و مشارکت اجتماعی در فرایند بازسازی اجتماعی دوران پساجنگ.

۲. روش پژوهش

این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. داده‌ها از طریق مطالعه اسنادی و منابع کتابخانه‌ای گردآوری شده‌اند. هدف از انتخاب این روش، تحلیل مفهومی نقش هویت اسلامی زن در شکل‌گیری مقاومت فرهنگی و بازسازی اجتماعی در شرایط جنگ و پساجنگ است.

جامعه متون مورد بررسی شامل سه دسته اصلی از منابع است:

۱. آیات مرتبط با جایگاه زن، مسئولیت اجتماعی، صبر، مقاومت و معنابخشی به رنج؛

۲. روایات و متون حدیثی مربوط به نقش اجتماعی و فرهنگی زنان؛

۳. آثار و پژوهش‌های معاصر در حوزه زن، هویت اسلامی، جنگ و بازسازی



اجتماعی.

همچنین برای تقویت چارچوب نظری، از مقالات علمی حوزه مطالعات زنان، جامعه‌شناسی جنگ و مطالعات فرهنگی بهره گرفته شده است. در تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده شد. مفاهیم و مضامین مربوط به هویت اسلامی زن، مقاومت فرهنگی و بازسازی اجتماعی استخراج، دسته‌بندی و تفسیر شدند تا پیوند میان مؤلفه‌های هویتی و نقش زن در فرایند بازسازی اجتماعی روشن شود.

۳. پیشینه پژوهش و نوآوری تحقیق

مطالعات متعددی در حوزه نقش زنان در جنگ و تحولات اجتماعی انجام شده است. از جمله:

- افروغ (۱۴۰۴): بررسی جنگ شناختی علیه زنان و چالش‌های هویتی
- اصلاحی و متین‌سادات (۱۴۰۲): مشارکت اجتماعی زنان در دوران دفاع مقدس
- کولایی و بهبهانی (۱۴۰۰): تجربه زیسته زنان رزمنده و بازاندیشی نقش‌های اجتماعی

- امین و داودی (۱۴۰۲): حجاب، هویت زنانه و گفتمان انقلاب اسلامی
- اسدپور و عهدیه (۱۳۹۵): بازنمایی هویت اسلامی-ایرانی در اندیشه‌های دفاعی

اگرچه این پژوهش‌ها ابعاد مختلفی از نقش و هویت زنان را بررسی کرده‌اند، اما پیوند تحلیلی میان «هویت اسلامی زن»، «مقاومت فرهنگی» و «بازسازی اجتماعی» در بستر جنگ و پساجنگ کمتر به صورت یک چارچوب نظری مستقل مورد واکاوی قرار گرفته است.

نوآوری پژوهش حاضر در این است که با اتکا به منابع دینی و رویکرد تحلیلی، الگوی مفهومی نقش هویت اسلامی زن را در مواجهه با جنگ و دوران پساجنگ تبیین می‌کند و نشان می‌دهد چگونه زنان مسلمان می‌توانند در شکل‌گیری مقاومت فرهنگی و بازسازی اجتماعی نقش‌آفرینی کنند. این رویکرد تا حدی خلأ موجود در ادبیات پژوهشی را برطرف می‌سازد.

۴. تعاریف عملیاتی مفاهیم کلیدی

مقاومت فرهنگی: مجموعه کنش‌ها و فرایندهای معنابخش مبتنی بر ارزش‌های دینی که با حفظ انسجام خانواده، تقویت امید جمعی و انتقال ارزش‌های مقاومت به نسل‌ها، در برابر تضعیف هویت فرهنگی جامعه شکل می‌گیرد.

بازسازی اجتماعی: فرایند احیای سرمایه اجتماعی، ترمیم روابط خانوادگی و اجتماعی، افزایش اعتماد عمومی و بازتولید معنا و کارکردهای فرهنگی جامعه در دوران پساجنگ.

فعال‌سازی اخلاقی-عاطفی: تبدیل ظرفیت‌های اخلاقی و عاطفی زن

مسلمان. مانند صبر فعال، ایثار و همدلی اجتماعی. به کنش‌های اجتماعی مؤثر و تقویت‌کننده انسجام جمعی.

۵. زن مسلمان و مقاومت فرهنگی در بستر جنگ و پساجنگ

«مقاومت فرهنگی» در این پژوهش به معنی مجموعه‌ای از کنش‌های هویت‌محور و مبتنی بر ارزش‌های دینی است که در برابر فرایندهای تضعیف‌کننده هویت فرهنگی جامعه در دوره جنگ و پساجنگ شکل می‌گیرد. برخلاف برداشت‌هایی که مقاومت را صرفاً در سطح نظامی یا سیاسی محدود می‌کنند، مقاومت فرهنگی بر حفظ نظام معنایی، ارزش‌های اخلاقی و پیوندهای هویتی جامعه تمرکز دارد.

زن مسلمان در این فرایند نقشی محوری ایفا می‌کند، زیرا بخش مهمی از جامعه‌پذیری و انتقال ارزش‌ها در خانواده و از طریق کنش‌های تربیتی و اخلاقی زنان صورت می‌گیرد. در شرایط جنگ، هنگامی که بنیان‌های روانی و فرهنگی تحت فشار قرار دارند، این نقش اهمیت دوچندان می‌یابد (امین و همکاران، ۱۴۰۲: ۷).

در دوران پساجنگ نیز مقاومت فرهنگی زنان ادامه پیدا می‌کند و ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد. انتقال تجربه‌های زیسته، تقویت حافظه جمعی، تربیت نسل جدید و بازتولید ارزش‌های اخلاقی از جمله نقش‌های تأثیرگذار زنان در این دوره است. مقاومت فرهنگی زنان تلاشی برای ایجاد تعادل میان حفظ

هویت دینی و مواجهه فعال با تحولات اجتماعی محسوب می‌شود.

۶. بازسازی اجتماعی در عصر پساجنگ با تأکید بر نقش هویت اسلامی زن

بازسازی اجتماعی فرایندی چندبعدی است که تنها به ترمیم خرابی‌های مادی محدود نمی‌شود، بلکه احیای انسجام اجتماعی، بازسازی نظام ارزشی و ترمیم پیوندهای انسانی را نیز دربر می‌گیرد. تجربه جوامع جنگ‌زده نشان می‌دهد که اتکای صرف به بازسازی فیزیکی بدون توجه به ابعاد فرهنگی و اخلاقی، به بازگشت پایداری اجتماعی منجر نمی‌شود.

بازسازی اجتماعی را می‌توان در سه سطح بررسی کرد:

۱. سطح فرهنگی: نیاز به بازتولید معنا، احیای ارزش‌های مشترک و تقویت روایت‌های جمعی.

در این سطح، زن مسلمان با نقش تربیتی و اجتماعی خود می‌تواند به تقویت امید و انتقال ارزش‌ها کمک کند.

۲. سطح اخلاقی: احیای فضایل اخلاقی، تقویت اعتماد اجتماعی و مقابله با پیامدهای روانی جنگ.

صبر، ایثار و مسئولیت‌پذیری از جمله ارزش‌هایی هستند که در کنش‌های روزمره زنان تجلی می‌یابند.

۳. سطح خانوادگی: خانواده نخستین نهاد آسیب‌دیده و در عین حال مهم‌ترین بستر ترمیم روابط عاطفی است.



نقش زن در ایجاد فضای عاطفی پایدار و حفظ پیوندهای خانوادگی در این سطح برجسته است.

زن مسلمان از این منظریکی از بازیگران اصلی بازسازی سرمایه اجتماعی به شمار می‌رود. از طریق تقویت شبکه‌های همیاری، روابط حمایتی و انتقال ارزش‌های اخلاقی، زنان به احیای اعتماد اجتماعی و بازسازی هویت فرهنگی جامعه کمک می‌کنند.

جدول ۱. الگوی اسلامی بازسازی اجتماعی با محوریت هویت زن مسلمان

سطح بازسازی اجتماعی	ماهیت بازسازی	نقش زن مسلمان	پیامد اجتماعی
بازسازی معنا و ارزش	هویتی - فرهنگی	تبیین دینی رنج و مقاومت، انتقال معنا	شکل‌گیری مقاومت فرهنگی پایدار
بازسازی روابط انسانی	اخلاقی - عاطفی	ترمیم روابط خانوادگی و اجتماعی	افزایش اعتماد و همبستگی اجتماعی
بازسازی سرمایه اجتماعی	اجتماعی - شبکه‌ای	ایجاد شبکه‌های همیاری و مشارکت	تقویت کنش جمعی و مسئولیت اجتماعی
بازسازی ساختارهای اجتماعی	نهادی - فرهنگی	مشارکت آگاهانه و هویت‌محور	پایداری بازسازی اجتماعی

۷. مطالعه موردی: نقش زنان در پشتیبانی اجتماعی و فرهنگی در دوران دفاع

مقدس

برای تقویت بُعد تجربی تحلیل و پرهیز از کلی‌گویی، می‌توان به نمونه‌های عینی از نقش‌آفرینی زنان در دوران جنگ اشاره کرد. یکی از نمونه‌های قابل توجه در این زمینه، فعالیت زنان در مراکز پشتیبانی جنگ در دوران دفاع مقدس در ایران است؛ تجربه‌ای که نشان می‌دهد چگونه هویت دینی و اجتماعی زنان می‌تواند به شکل‌گیری مقاومت فرهنگی و تقویت انسجام اجتماعی منجر شود. در بسیاری از شهرهای ایران، زنان به صورت داوطلبانه در مراکز پشتیبانی جنگ، مساجد، دانشگاه‌ها و پایگاه‌های مردمی فعالیت می‌کردند و مسئولیت‌هایی همچون تهیه پوشاک و اقلام مورد نیاز، پشتیبانی لجستیکی، پرستاری از مجروحان و حمایت عاطفی از خانواده‌های رزمندگان را برعهده داشتند. این فعالیت‌ها صرفاً در سطح خدمات حمایتی باقی نمی‌ماند، بلکه بستری برای تقویت همبستگی اجتماعی، گسترش فرهنگ ایثار و انتقال ارزش‌های مرتبط با مقاومت در سطح جامعه فراهم می‌کرد (اصلاحی و متین‌سادات، ۱۴۰۲).

بررسی این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که مشارکت زنان در چنین فعالیت‌هایی صرفاً یک نقش پشتیبانی ساده نبوده، بلکه بخشی از یک فرایند گسترده‌تر فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود که از طریق آن ارزش‌های دینی و اخلاقی در زندگی روزمره بازتولید شده و به تقویت روحیه همبستگی و مشارکت



اجتماعی در جامعه کمک می‌کند. به این ترتیب، تجربه زنان در دوران دفاع مقدس می‌تواند نمونه‌ای تجربی از پیوند میان هویت دینی، مقاومت فرهنگی و تقویت سرمایه اجتماعی در شرایط بحرانی تلقی شود.

۸. تبیین مدل نظری «مقاومت فرهنگی و بازسازی اجتماعی» زن مسلمان

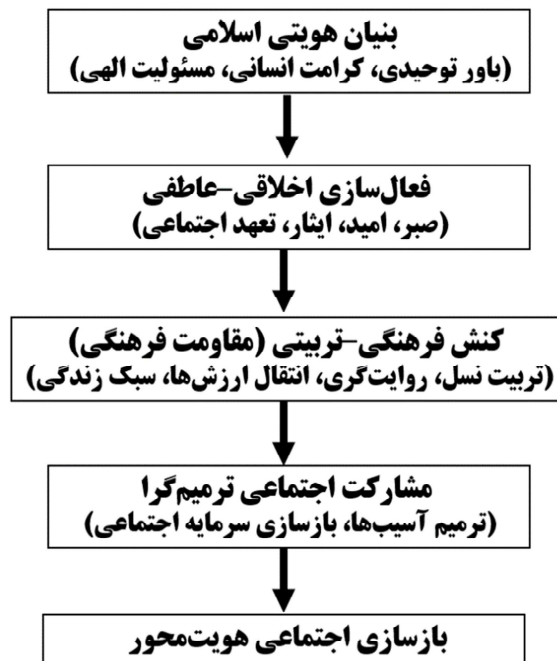
با توجه به مباحث نظری درباره هویت اسلامی زن و پیامدهای اجتماعی جنگ، می‌توان مدلی مفهومی برای تبیین نقش زن مسلمان در پیوند میان «مقاومت فرهنگی» و «بازسازی اجتماعی» ارائه کرد. ضرورت ارائه چنین مدلی از آنجا ناشی می‌شود که بسیاری از مطالعات موجود، نقش زنان در شرایط جنگ را عمدتاً به صورت توصیفی یا در قالب مفاهیمی کلی مانند تاب‌آوری فردی و مشارکت اجتماعی بررسی کرده‌اند؛ در حالی که در جوامع اسلامی، کنشگری زنان اغلب ریشه در هویت دینی و نظام معنایی خاصی دارد.

براساس این دیدگاه، هویت اسلامی زن در شرایط بحران از حالت عادی به نوعی «هویت فعال شده» تبدیل می‌شود؛ هویتی که در آن زن مسلمان از طریق چارچوب‌های معنایی و ارزشی خود به تفسیر وضعیت جنگ، معنابخشی به رنج‌ها و تعیین نوع کنش اجتماعی می‌پردازد. در این چارچوب، بنیان هویتی مبتنی بر باورهای دینی، کرامت انسانی و مسئولیت اخلاقی، زمینه شکل‌گیری مقاومت فرهنگی را فراهم می‌کند و جهت‌گیری کنش‌های اجتماعی را تعیین می‌سازد (شریفی نسب، ۱۳۹۳: ۱۹).

در مرحله بعد، این بنیان هویتی به فعال شدن ظرفیت‌های اخلاقی و عاطفی منجر می‌شود. مؤلفه‌هایی همچون صبر، امید، ایثار و همدلی اجتماعی از سطح ارزش‌های ذهنی فراتر رفته و در قالب کنش‌های اجتماعی بروز می‌یابند؛ کنش‌هایی که می‌توانند به حفظ انسجام خانواده و تقویت پیوندهای اجتماعی در شرایط بحران کمک کنند (عادلی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۴).

در این مرحله، مقاومت فرهنگی زن مسلمان عمده‌تأ در قالب کنش‌های فرهنگی و تربیتی نمود پیدا می‌کند؛ از جمله تربیت نسل جدید، انتقال ارزش‌های مقاومت و بازنمایی تجربه‌های جنگ در قالب روایت‌های هویتی. این نوع کنشگری فرهنگی که اغلب در بستر زندگی روزمره شکل می‌گیرد، نقشی مهم در حفظ حافظه جمعی و جلوگیری از تضعیف ارزش‌های فرهنگی در شرایط بحرانی ایفا می‌کند (شیخی و همکاران، ۱۴۰۴: ۵).

در نهایت، این فرایند به سطح «مشارکت اجتماعی ترمیم‌گرا» می‌رسد؛ سطحی که در آن مقاومت فرهنگی با فرایند بازسازی اجتماعی پیوند می‌خورد و از طریق تقویت روابط اجتماعی، بازتولید ارزش‌های مشترک و احیای سرمایه اجتماعی، به ترمیم تدریجی ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه پس از جنگ کمک می‌کند.



شکل ۱. مدل نظری «مقاومت فرهنگی و بازسازی اجتماعی» زن مسلمان مبتنی بر هویت اسلامی

نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش هویت اسلامی زن در شکل گیری الگوی «مقاومت فرهنگی» و «بازسازی اجتماعی» در دوران جنگ و پسا جنگ انجام شد. یافته ها نشان داد که زن مسلمان، برخلاف برخی برداشت های تقلیل گرایانه که نقش او را به عرصه های محدود فردی فرو می کاهند، از ظرفیت گسترده ای



برای کنشگری فرهنگی، تربیتی و اجتماعی برخوردار است. هویت اسلامی زن با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون ایمان توحیدی، کرامت انسانی، مسئولیت‌پذیری الهی، صبر و اخلاق محوری، چارچوبی معنایی فراهم می‌آورد که در شرایط بحرانی، به‌ویژه در بستر جنگ، امکان کنش فعال، آگاهانه و سازنده را برای او فراهم می‌سازد.

در چنین شرایطی، زن مسلمان نه تنها در حفظ انسجام خانواده و تربیت نسل جدید نقش‌آفرینی می‌کند، بلکه در حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی نیز به عاملی مؤثر در تقویت همبستگی اجتماعی، ارتقای روحیه مقاومت و بازتولید سرمایه معنوی جامعه بدل می‌شود. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که جنگ، در کنار خسارت‌های انسانی و اجتماعی، زمینه بروز و فعال شدن ظرفیت‌های نهفته در هویت اسلامی زن را فراهم می‌کند. زنان با ایفای نقش‌هایی چون حفظ همبستگی خانوادگی، تربیت ارزش‌محور نسل آینده، مشارکت در فعالیت‌های فرهنگی و حمایتی و روایت‌گری تجربه‌های زیسته، به بازتولید معنا و تقویت روحیه مقاومت در جامعه کمک می‌کنند. این فرایند در قالب «مقاومت فرهنگی» قابل تبیین است؛ مقاومتی که نه تنها مبتنی بر صبوری و تاب‌آوری است، بلکه کنشی فعال برای پاسداری از ارزش‌ها، مقابله با گفتمان‌های هویت‌زدا و حفظ پیوستگی فرهنگی جامعه محسوب می‌شود.

منابع و مآخذ

۱. افروغ. (۱۴۰۴). الگوهای جنگ شناختی در مواجهه با زنان ایرانی؛ چالش‌های هویتی و راهکارهای مقاومت اجتماعی. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان، ۱۷(۱).
۲. افروغ، و باغستانی. (۱۴۰۲). ارائه الگوی جایگاه زن در حکمرانی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش‌های میان‌رشته‌ای زنان، ۱۶(۳).
۳. اصلاحی، و متین سادات. (۱۴۰۲). مروری تحلیلی بر مشارکت‌های اجتماعی اثربخش زنان در جنگ تحمیلی (مطالعه موردی: ستاد پشتیبانی جنگ). تحقیقات اسنادی انقلاب اسلامی، ۱۰(۱۰).
۴. امین، و داودی. (۱۴۰۲). حجاب، هویت زنانه و هژمونی ایدئولوژیک انقلاب اسلامی در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای. مطالعات راهبردی بسیج، ۲۶(۹۹).
۵. اسدپور، عهدیه. (۱۳۹۵). بازنمایی هویت اسلامی. ایرانی در اندیشه‌های دفاعی امام خامنه‌ای. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۲۲(۱۱۱).
۶. عباسی، و کشاورز. (۱۴۰۱). نقش اجتماعی و فرهنگی زنان در جنگ صفین. سیره پژوهی اهل بیت علیهم‌السلام با رویکرد تمدنی، ۸(۱۴).
۷. عسکری دستجردی، و ربانی خوراسگانی. (۱۴۰۲). تجربه زیسته زنان در مراکز پشتیبانی از جنگ (مورد مطالعه: کارگاه خیاطی در دانشگاه اصفهان). مطالعات راهبردی فرهنگ، ۳(۳).
۸. عادل، فتحی، سروش، پیراهری، و نیر. (۱۳۹۷). تحولات قومی در مرزهای ایران قبل و بعد از جنگ تحمیلی: ابعاد و راهکارها. فصلنامه جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، ۸(۳۱).

۹. ضرغام، ضیاءالحق، و حاجی‌زاده میمندی. (۱۴۰۴). کودکی در سایه جنگ و بازتولید هویت جهادی: نقش دوران کودکی در برساخت هویت فرماندهان جهادی افغانستان. تداوم و تغییر اجتماعی، ۳(۲).
۱۰. شیخی، و پورصدقی. (۱۴۰۴). واکاوی فقهی قتل زن و کودک غیرمسلمان در جنگ. پژوهش‌های فقه اجتماعی، ۱(۱۱).
۱۱. شریفی نسب، لیدا. (۱۳۹۳). زنان ایران پرچم‌دار بیداری اسلامی هستند. پیام زن، (۲۶۷).
۱۲. جوانمردی، علیه، پورمحمدی املشی، فلاح‌توتکار، و حجت. (۱۴۰۲). رشد و تحول افکار فمینیستی در ایران و بررسی آن از جنگ جهانی اول تا جنگ جهانی دوم. تحقیقات تاریخ اجتماعی، ۲۶(۱۳).
۱۳. کولایی، و بهبهانی. (۱۴۰۰). تجربه زیسته زنان رزمنده در جنگ ایران و عراق و بازاندیشی در نقش‌های سنتی سیاسی و اجتماعی آنان. پژوهشنامه علوم سیاسی، ۱۶(۴).
۱۴. محمدی، کلاته ساداتی، افراسیابی، و فرهمند. (۱۴۰۴). انزوا و بقای ناگزیر زنان در دوران جنگ و پساجنگ؛ مطالعه‌ای کیفی در افغانستان. تداوم و تغییر اجتماعی، ۳(۲).
۱۵. همتی نصرآباد، محمودی، و سیده‌مریم. (۱۴۰۲). ابزارهای جنگ علیه فرزندآوری و راه‌های مقابله با آن. مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، ۵۲(۴).